فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۲۰-۲۱۱ New Period, No 21, 2019, P 211-220
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی بن مایه‌های اقلیمی در آثار احمد محمود

دکتر جلیل مشیدی[۱]. فرید حیدری آل کثیر[۲*]
۱. استاد تمام رشته ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات. دانشگاه اراک. ایران
۲. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه اراک. ایران
(نویسنده مسئول*)

چکیده

موتیف که در زبان فارسی بن مایه، نقش مایه یا درون مایه ترجمه شده است همان عناصر تکرار شونده ای هستند، که از این راه می‌توان به دنیای ذهنی نویسنده راه یافت. این عناصر در آثار نویسنده که تحت تاثیر عناصر و پدیده های محیط پیرامون خود در آثار نمود پیدا می‌کنند بن مایه‌های اقلیمی هستند. از قلیم‌های مهم داستان نویسی، اقلیم جنوب است که در این مقاله سعی شده بن مایه‌های اقلیمی در آثار احمد محمود بررسی شود تا از این طریق بتوان جایگاه محیط زندگی و فضای جغرافیایی زندگی او را در آثارش بررسی کرد.

این بررسی نشان می‌دهد احمد محمود به شکل خود آگاه و ناخود آگاه عناصر اقلیمی جنوب همچون هوای گرم و شرجی، دریا، نخل و. . . را در آثار خود مکرر به کار برده است.

واژه‌های کلیدی: بن مایه (موتیف)، اقلیم – داستان، احمد محمود

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

مقدمه:

موتیف یا بن مایه از اصطلاحات نقد ادبی جدید است. موتیف در یک اثر فضای فکری نویسنده را نشان می دهد و ملاکی است برای بررسی آثار ادبی و شاخصی برای سنجش و پیگیری سیر اندیشه صاحب اثر است. در ادبیات و زبان فارسی اغلب معادل بن مایه را برای این اصطلاح پذیرفته اند. در واقع موتیف در ادبیات: موضوع، تصویر، طرح یا الگو دانسته شده است که با ظهور پی در پی، در اثر ادبی، از خود ردپا می گذارد و جاذبه زیباشناسی آن را بالا می‌برد (دانشور کیان و امامی، ۱۱۷:۱۳۸۵).

در فرهنگ های ادبی مختلف تعاریف متعددی برای موتیف آمده است.

هر یک از فکرها، ایده های غالب در اثر ادبی، بخشی از مضمون اصلی است که ممکن است شامل یک شخصیت یا یک تصور مکرر یا الگوی زبانی باشد (کادن ۱۲۴۹:۱۳۸۰).

توماس مان آن را به معنی مضمون یا جز تکرار شونده در ادبیات به کار برده (همان ۲۲).

فکر یا موضوع یا درونمایه ای است که در اثر ادبی تکرار می‌شود. تکرار بن مایه تاثیر مسلط اثر هنری را به وجود می آورد. این تاثیر مسلط گاه از طریق تصویرها، عبارت‌ها، شخصیت‌ها و حوادث و اعمالی است که در اثر هنری به طور مکرر به کار می روند، نیز بوجود می‌آیند (میر صادقی میمنت، ۱۳۸۸:۵۵).

بیان مسئله:

موتیف یکی از اصطلاحات نقد ادبی جدید است که در زبان فارسی به بن مایه، نقش مایه یا درون مایه ترجمه شده است. «بن مایه» عنصر، حادثه، سخن، مطلب، موضوع یا مضمونی است که در کل ادبیات یا کل آثار کسی یا یک اثر خاص مدام تکرار می‌شود (شمسیا ۱۲۳:۱۳۷۵).

موتیف در واقع عنصری است که بصورت نامحسوس در اثر تکرار می‌شود تا مضمون اصلی یا **Theme** را قابل تجسم تر و قوی تر سازد. در یک داستان یا رمان ممکن است از موتیف‌های زیادی استفاده شود. موتیف می‌تواند تکرار کنش و واکنش شخصیت‌های داستانی باشد و یا کاربرد یک تکیه کلام در گفتگو، ایده و یا فکری باشد که ذهن شخصیت داستانی را به خود مشغول می‌سازد.

نویسنده ممکن است به صورت آگاهانه یا ناخود آگاه بن مایه های مدنظرش را تکرار کند. در این مقاله بن مایه های اقلیمی در آثار احمد محمود مدنظر قرار گرفته شده تا از این راه بتوان تاثیر محیط و فضای اجتماعی محل زندگی نویسنده را در آثارش مورد بررسی قرار دهیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

مطالعه بن مایه‌های موجود در آثار احمد محمود که در آثار وی تکرار شده اند وسیله ای برای شناسایی سبک شخصی نویسنده و راهی برای ورود به دنیای ذهن او هستند. توجه به مضامین، درون نمایه‌ها و موتیف‌های اقلیمی از موضوعاتی هستند که به خوبی می توانند هویت بومی خالق اثر را مشخص کنند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

پیشینه تحقیق:

موتیف اصطلاحی تقریبا جدید در مباحث ادبی در ایران است و تا کنون به این مسئله به صورت جدی پرداخته شده است. در این زمینه می‌توان به مقاله محمد تقوی و الهام دهقان با عنوان «موتیف چیست و چگونه شکل می‌گیرد» ۱۳۸۰، در فصلنامه نقد ادبی و مقال محمد پارسا نسب تحت عنوان: بن‌مایه، تعاریف، گونه‌ها و کارکرد ها در فصلنامه نقد ادبی اشاره کرد.

در برخی کتب ادبی همه به مسئله موتیف و بن مایه های اقلیمی اشاره شده است.

سوال تحقیقی:

ـ چقدر محیط زندگی و واژه های اقلیمی در آثار محمود حضور داشته اند؟

ـ مهمترین بن مایه های اقلیمی در آثار احمد محمود کدامند؟

ادبیات اقلیمی و ادبیات جنوب

مقدمه

وجود ویژگی های خاص اقلیمی، فرهنگهای متفاوت با دین و مذهب روابط با دیگر اقوام و ملل و آداب و رسوم خاص باعث ظهور ادبیات اقلیمی شده است.

اصطلاح «ادبیات اقلیمی» اولین بار به وسیله حسن میر عابدینی مطرح شد و قبل از او این نوع ادبیات را «ناحیه ای» یا «محلی» می‌خواندند. البته جمال میر صادقی ادبیات ناحیه ای و محلی را متمایز می‌داند.

ادبیات اقلیمی را می توان به دو دسته ادبیات شهری و ادبیات روستایی تقسیم کرد. در ادبیات اقلیمی شهری یک شهر بخصوص محل وقوع داستان قرار می‌گیرد و به آداب و رسوم و طرز صحبت، آداب عقاید اهالی آن شهر می‌پردازد. مثل داستان زمین سوخته اثر احمد محمود در ادبیات اقلیمی روستایی داستان در یک روستا رخ می‌دهد و به مشکلات مردم و مسائل روستائیان از قبیل سهم آب، آفت زمین و امثال هم می‌پردازد شروع جدی ادبیات روستایی با تک نگاری‌های اجتماعی آل احمد و ساعدی بود. انتشار این تک نگاری ها موجب رشد ادبیات منطقه ای شد (میر عابدینی، ج ۱و ۲ : ۵۰۸).

رمان اهل غرق روانی پور را می توان جز ادبیات روستایی قرار داد. در ادبیات اقلیمی بیشتر شخصیت‌ها و قهرمانان داستان‌ها طبقات فرودست جامعه هستند و در این داستان ها غالبا به مشکلات طبقات پایین جامعه پرداخته می‌شود. رئالیسم در داستان‌های اقلیمی حرف اول را می‌زند و این شیوه ای است که این نویسندگان از آشنایی با ادبیات غرب به ارمغان آورده اند.

زبان این داستان‌ها نیز متناسب با شخصیت‌های داستان زبان ساده و محلی است و لهجه خاص منطقه و گویش آنها به همان شکل و سیاق کاربردی در این گونه داستانها به کار می‌رود. زبان بومی که شامل

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

واژگان، اصطلاحات و کنایات، ضرب المثل، آوازهای محلی و. . . است براساس سلیقه نویسنده در داستانش حاضر است.

با شروع نهضت ادبیات ناحیه ای یا اقلیمی در ایران، نویسندگان منطقه های مختلف شروع به فعالیت کردند که «مهمترین دستاورد ادبیات اقلیمی حاصل تلاش های نویسندگان جنوبی است» (امیر عابدینی ۱۳۷۷ ج ۱و۲ : ۵۶۱).

ادبیات اقلیمی جنوب بخاطر موقعیت خاص محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف همچون عربی و هندی و انگلیسی تا زبان فارسی است ویژگی خاصی به خود می‌گیرد. بویژه تاثیر زبان عربی به دلیل حضور هموطنان عرب در جنوب و جنوب غرب، روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس بیشتر دیده می‌شود. بطوریکه واژه های عربی بومی مردم عرب خوزستان در بسیاری از داستان‌های اقلیم جنوب نمود پیدا می کنند. واژگانی همچون سعفه، میداف، علاگه، عصابه، زایر و. . .

زندگی احمد محمود

احمود محمود یا احمد اعطا در سال ۱۳۱۰ در اهواز متولد شد. او در خانواده ای شلوغ و از طبقات متوسط جامعه رشد کرد. در دوره جوانی مثل بسیاری از جوان‌ها وارد عرصه سیاست شد و این امر مانع ادامه تحصیل او شد. به دلیل داشتن سابقه زندانی نتوانست استخدام شود و بیشتر به شغل آزاد روی آورد. داستان نویسی را در حدود سالهای ۳۳ تا ۳۶ با چند داستان کوتاه در مجلات تهران انتخاب کرد. وی در آغاز نویسندگی اش بیشتر تحت تاثیر داستان های صادق هدایت و صادق چوبک بود. او پس از این دوران بیشتر به داستان‌های رئالیستی روی آورد و با مطالعه دقیق اوضاع و احوال روستاییان و شهرو زادگاه خود به توصیف وضعیت زندگی آنان و مسائل اقتصادی و سیاسی پرداخت. «داستان های نخستین او از آثار هدایت و چوبک متاثرند، در همسایه‌ها و داستان یک شهر تاثیر فلسفه اجتماعی را به آشکار می‌بینیم» (دستغیب ۶۸۵:۱۳۹۱). آثار احمد محمود شامل : مول، دریا هنوز آرام است، بیهودگی، زائری زیر باران، غریبه‌ها و پسرک بومی، همسایه‌ها، داستان یک شهر، زمین سوخته، دیدار، از مسافر تا تب خال، مدار صفر درجه و مشهور ترین آنها درخت انجیر معابد هستند.

سرانجام این نویسنده توانا پس از گذراندن یک زندگی پرشیب و فراز بر اثر بیماری ریوی در سال ۱۳۸۱ بدرود حیات گفت.

بن مایه‌های اقلیمی در آثار محمود:

احمد محمود به عنوان یکی از بزرگترین داستان نویسان مکتب جنوب، به خوبی توانسته است عناصر اقلیمی جنوب را در آثارش خود منعکس کند. حضور عناصر اقلیمی در داستان‌های محمود باعث نشده است، که آثار او از لحاظ طیف مخاطبان لطمه ببیند و متعلق به یک اقلیم خاص باشد، بلکه وی با رنگ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

محلی بخشیدن به آثار خود باعث غنای آن ها شده است. خود محمود تاکید دارد که «مساله اقلیمی بودن حوادث و آدم ها معناش این نیست که در بند اقلیم بماند و همان جا خفه شود، می‌شود از اقلیم مملکتی شد» (گلستان ۱۶۹:۱۳۷۷).

محمود را می توان از پیشگامان ادبیات اقلیمی در روزگار معاصر دانست. او سعی کرده فضایی عینی و واقعی را زا زبان شخصیت‌های خود بیان کند و از این طریق تصویری از فضای اقلیمی جنوب ارائه کنر.

در اینجا به مهمترین بن مایه های اقلیمی در آثار محمود می پردازیم:

آب و هوای گرم و شرجی

جنوب آب و هوای گرم و شرجی در داستان های نویسندگان مکتب جنوب رنگ متمایز به خود گرفته است. «تاریکی چیره شد، شرجی مثل مه سبکی روی شهر نشسته بود» (محمود ۱۴:۱۳۸۲).

«گرمای کشنده جنوب از گرده آدم تسمه می کشد. هوای مرطوب و خفقان آوری روی دلها سنگینی می‌کند، نفس پس می رود و به سختی بیرون می آید» (محمود ۳:۱۳۳۹).

دریا

از مهمترین پدیده های اقلیمی جنوب، دریاست که جایی بسیاری از ساکنان جنوب به آن وابسته است. دریا حضوری پر رنگ در داستان های جنوب دارد و شاید پر بسامدترین واژه در داستان‌های این مکتب است.

«خورشید دارد به دریا می نشیند. قوس سرخگونه ای که آتش می بارد افق دریا از رنگ خون زده است» (محمود ۳۹۹:۱۳۸۲).

«امواج ریز و آبی دریا، زیر نور خورشید چشم را می زند» (محمود ۲۹:۱۳۸۱).

«غرش دریا تکانم می دهد. میدان دیدم دریاست و ماسه های زرد کنار دریا» (محمود۱۷:۱۳۸۲).

ماهی و ماهی گیری

به تبع وجود دریا و رودخانه های پر آب، ماهی و ماهی گیری جزئی جداشدنی از زندگی مردم جنوب است.

«علی ته نیم بطری را بالا می آورد و شیشه را نگه می دارد که سر ماهی ها را بکوبد. حالا دارد به ماهی سوم بند می دهد. ناگهان نخ قلابم کشیده می شود. سنگین نیست. ماهی مثل بره سر به راه است و همراه بند می‌آیند» (محمود ۳۴:۱۳۸۲).

«ماهی سطح آب را آشفته می کند. سنگسر چاق و چله ای است که از چهار کیلو هم بیشتر است» (همان: ۳۹۷)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

«چشمان ماهی بی حرکت مانده است. پیشانی اش قهوه ای می‌زند. به قلاب آویزان است و تقّلا می کند. حیضم می آید بندازمش رو اسکله » (محمود ۳۹۷:۱۳۸۲).

کشتی و قایق:

«چراغ کشتی کوچکی که از غرب خلیج می آید از دور سوسو می زند» (محمود ۳۹۹:۱۳۸۲).

«از دور دست کشتی به طرف شرق می راند. همه چراغ هایش روشن است. می‌رود به طرف قشم و بعد تنگه هرمز» (همان:۲۹)

«تنها صدای اره می‌آمد. با ضربه چکش مردی کشتی ساز، بر روی داربست که سرگرم وصله کردن یک قایق قدیمی بود» (محمود ۲۹:۱۳۸۲).

جاشو

کسی که در کشتی ها کار می کند و این شغل در بین مردم جنوب متداول است.

«همهمه جاشوها به گوشم می نشیند» (محمود ۲۹:۱۳۸۲).

«آسمان چنان روشن است که حرکت خرچنگ ها را روی ماسه های ساحلی می‌بینم جاشوها دسته جمعی آواز می خوانند» (همان :۲۹)

ساحل

کف پای برهنه ام، از خنکی ماسه های نیمه مرطوب ساحل لذت می برد. (محمود ۴۰۰:۱۳۸۲).

شب باید تو بندر مهتابی بخوابیم. غروب که می‌شه، روی ماسه های ساحل دراز می کشیم و آسمان را نگاه می کنیم (محمود، ۵۸۲:۱۳۸۲)

نخل و نخلستان و خرما

شاید بعد از دریا بسامدترین واژه در ادبیات اقلیم جنوب نخل و متعلقات آن باشد. محمود توصیفات تحقیقی از این درخت نشان دهنده توجه عمیق اوست.

«سایه نخل بلند پایه ای که تنها زینت خانه خشک و خالی بود رو زمین افتاده بود» (محمود ۸۹:۱۳۵۳).

«برگ‌های سر نیزه ای نخل‌ها توهم رفته بودند» (محمود ۶:۱۳۸۱).

«از کنار پرچین نخلستانی که انتهای شهر است می گذرم. صداهای شب تو هم است» (محمود ۲۸:۱۳۸۲).

«نخل‌های باغ عدنانی، بیشتر مضافتی است وشکری خضراوی. لیلو کمتر دارد. خارک لیلو گس است. وقتی رسیده باشد طعمش به چمری می‌ماند» (محمود، ۲۸۱:۱۳۵۷)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

کنار

میوه درخت سدر است که جنوبی ها خود درخت را کنار می گویند. البته نوع دیگر کنار درختچه ای کوتاهتر است که میوه اش ملس است و به نمریج معروف است. این درخت بسیار در داستان های جنوبی به کار می‌رود.

«گنجشک‌ها تو شاخ و برگ انبوه درخت کنار که وسط حیات است سرو صدا راه انداخته اند» (محمود ۷:۱۳۸۶)

«ابراهیم عینه و همچون از درخت کنار بالا می رود» (محمود ۲۴:۱۳۵۳).

زبان

استفاده از زبان و واژگان بومی و محلی خواننده را با لهجه اقلیم مورد نظر آشنا می‌کند. استفاده از این واژگان به عنوان بن مایه‌های اقلیمی باعث می‌شود خواننده با معنی آنها و کاربرد آنها آنا شود.

زبان صمیمی و ساده خاصیت زبان داستان‌های مکتب جنوب است و علاوه بر آن این زبان را افرادی در داستان به کار می برند که خود ساده و صمیمی هستند و معمولا از میان مردم عادی هستند.

واژگان جنوبی

کلبچه: دستبند

«بگیرنش و کلبچه اش بزنن و بندازنش تو زندون» (محمود ۱۵۹:۱۳۵۳).

لیغ: تور ماهیگیری

«شاید هم از کشتی‌های ماهیگیری غریبه‌هاست که گاه به راه می افتند و می‌آیند و لیغ ماهیگیران خود را پاره می‌کنند» (محمود ۸۳:۱۳۸۲).

کبکاب: نوعی دمپایی چوبی

«بتولی هر وقت که ذلش بخواهد روسری اش را سر می کند و کبکابش را سر به پا می کند و از خانه بیرون می زند» (محمود ۱۱۵:۱۳۸۶).

واژگان عربی

وجود واژه های عربی بومی محلی مردم جنوب (بغیر از واژه های عربی موجود در زبان فارسی) که به دلیل سکوت آنها در استان های جنوبی و همچنین ارتباط با کشورهای حاشیه خلیج باعث ورود کلمات عربی به ادبیات اقلیمی جنوب است.

علاگه: سبد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

«گروهبان غلام از رو رختخواب بلند می شود و می رود علاگه یی را که به سقف دالان آیزان است می‌آورد» (محمود، ۱۰۱:۱۳۸۲).

کومه: انباشته شدن چیزی

«چند کومه سنگ ساختمانی، اینجا و آننجا، تو زیمن و ریگزار. . . » (محمود، ۶۳:۱۳۸۶).

صبخ: شوره زار

«اونجا از تو صبخ می زنیم تو نخلستون بعد میون بر می زنیم به طرف شاخه» (محمود، ۲۰۱:۱۳۸۴).

البته حضور برخی واژگان انگلیسی در زبان مردم جنوب ناشی از حضور انگلیسی ها در این منطقه بوده که بعضی از این واژگان امروزه هم حتی در زبان عربی مردم جنوب حاضرند. واژگانی همچون پوتیته و بای سیکل.

«مگه ما سر گنج نشسته ایم که پوتیته بخریم کیلویی هشت تومن؟» (محمود، زمین سوخته ۱۶۱)

«گفت بای سیکل میخوام براش خریدم» (محمود، ۲۴:۱۳۸۲).

ضرب المثل‌های جنوبی

«آدم بدبخت رو، روی خشکی کوسه می زنه» (محمود، ۹۹:۱۳۸۲).

«آب که از سر گذشت چه یک نی چه صد نی»(محمود، ۱۵۳:۱۳۸۲).

بکارگیری بافت زبانی مخصوص جنوب و اصرار به استفاده از لغات جنوبی مشخصه قلم محمود است.

«کا، مو جنوبی ام» (محمود۱۲۳:۱۳۸۲)

«سی مو دیگه از ایناش گذشته» (محمود، ۱۶۹:۱۳۸۶)

گاهی افعال جنوبی را به کار می برد

«جابجا، دسته دسته که از گرما وا رفته اند. رختخواب‌ها و چمدان‌ها را و بغچه‌ها رو هم کوت کرده اند» (محمود، ۵۷:۱۳۸۶).

کوت کردن به معنی تلمبار کردن است.

مکان‌های جغرافیای

ذکر مکان های محل وقوع داستان‌ها یکی از اصلی ترین مشخصه‌های ادبیات اقلیمی است. محمود مکان‌های مختلف از جمله اهواز و برخی مکان‌های آن و همچنین نام شهرها و بنادر جنوب را در آثارش بارها ذکر می‌کند.

«بهشت آباد جنوب شهر است. آمبولانس پیشاپیش اتوبوس‌ها از فلکه می‌اندازد رو جاده کوت عبدالله» (محمود، ۱۴۵:۱۳۸۲).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

«کارون آرام است. بهار سیلابی می‌شود و خانه‌های ساحلی را تهدید می‌کند. از زیر پل سفید رد می‌شویم» (محمود، ۲۴:۱۳۵۳).

«شب را خوابیده بودیم بندر خمیر. . . » (محمود، ۱۴:۱۳۸۲).

«چند سال قبل تو یکی از شب‌های تابستان، نیمه‌های شب، قاچاقچی ها، تو بندر مغویه، همه را به گلوله می‌بندند» (محمود، ۲۱:۱۳۸۲).

نفت

منابع نفت در جنوب و چاه‌های بزرگ نفتی به عنوان یکی از بزرگترین میدان‌های جهان تاثیر شگرفی در اقتصاد کشور ما بویژه در زندگی مردم جنوب دارد. وجود پالایشگاه ها و صنایع پیرامون علاوه بر استخراج نفت و تاثیر و تاثر از همجواری با این منابع باعث شده نفت در ادبیات نویسندگان مکتب جنوب جایگاه خاصی داشته باشد. احمد محمود هم از این قاعده مستثنی نیست.

«شعله‌های رقصنده دودکش های بلند کوره های نفت، گله به گله آسمان سیاه را رنگ خون زده بودند» (محمود، ۶۴:۱۳۵۳)

«حالا ماسه ها نفت را مکیده بودند و زمین خشک شده بود» (محمود، ۹۰:۱۳۵۳).

«من خیال کردم که میدانگاهی جوع دارد و دهان نفتی خود را باز کرده است که ریزه ریزه شهر را ببلعد». (محمود، ۹۰:۱۳۵۳)

نتیجه‌گیری

اقلیم جنوب یکی از اقلیم های ایران است که دارای مشخصه‌ها و ویژگی‌های خاصی و منحصر به فردی است. آب و هوای گرم و شرجی، دریای بزرگ و پهناور که حیات برخی از ساکنان این ناحیه به آن وابسته است و از طریق آن امرار معاش می‌کنند. وجود نخلستان‌های عظیم و همچنین صنعت نفت و صنایع جانی آن و. . . همه از ویژگی‌های خاص جنوب است که نویسندگان مکتب جنوب این مساله را در داستان‌های خود بازگو می‌کنند.

موتیف یا بن مایه بعنوان یکی از اصطلاحات نقد ادبی جدید که به بررسی عناصر تکرار شونده در یک متن می پردازد راه را برای خواننده جهت شناخت محیط نویسنده و اندیشه او هموار می‌کند.

در این مقاله به بررسی بن مایه های اقلیمی در آثار محمود پرداخته شده است. بن مایه‌های اقلیمی خاص منطقه جنوب که آنقدر در زندگی مردم این سامان موثرند که تقریبا اکثر نویسندگان اقلیم جنوب از آن بهره گرفته اند.

این عناصر تکرار شونده به طور آگاهانه یا نا خود آگاه در آثار احمد محمود حاضرند و خواننده را جهت شناخت محیط پیرامون نویسنده یاری می‌کنند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

فهرست منابع و مآخذ

ـ دانشور کیان، علی، امامی، سهیلا (۱۳۸۵)، «یادداشتی بر بن مایه‌های تصویری در شعر «صدای پای آب سهراب سپهری»»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. (صص ۱۱۷- ۱۳۱).

ـ دستغیب، عبدالعلی (۱۳۹۱)، از دریچه نقد (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: انتشارات خانه کتاب.

ـ کارن، جی ای، (۱۳۸۰)، فرهنگ ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فیروز مند، چاپ اول، تهران : غزال.

ـ گلستان، لیلی (۱۳۷۴)، حکایت حال، گفتگو با احمد محمود، تهران: کتاب مهناز.

ـ محمود احمد (۱۳۸۲)، داستان یک شهر، چاپ ششم، تهران انتشارات معین.

ـ محمود احمد (۱۳۵۳)، غریه‌ها و پسرک بومی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

ـ محمود احمد (۱۳۳۹)، دریا هنوز آرام است، چاپ اول، انتشارات گوتنبرگ.

ـ محمود احمد (۱۳۵۷)، همسایه‌ها، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

ـ محمود احمد (۱۳۸۱)، زایره زیر باران، چاپ ششم، تهران، انتشارات معین.

ـ محمود احمد (۱۳۸۴)، مدار صفر درجه چاپ ششم، تهران، انتشارات معین.

ـ محمود احمد (۱۳۸۶)، زمین سوخته، چاپ هشتم، تهران، انشارات معین.

ـ میر صادقی، جمال(۱۳۷۶)، ادبیات داستانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی.

ـ میر صادقی، میمنت (۱۳۸۸)، واژه نامه هنر شاعری، چاپ چهارم، انتشارات کتاب مهناز.

ـ میر عابدینی، حسن (۱۳۷۷)، صد سال داستان نویسی ایران، تهران، نشر چشمه.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]